

بسم الله الرحمن الرحيم

١٤٩٩٤ - ٢٠١٧



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر میزان بزهکاری

خسونت آمیز در میان دانش آموزان شهر اهواز

نگارش:

هدایت نصیری

استاد راهنما:

دکتر سید عبدالحسین نبوی

۱۳۸۹/۹/۴

استاد مشاور:

دکتر علی حسین حسین زاده

کتابخانه مرکزی
تاسیسات مرکزی

تاسیسات 88

۱۴۶۹۹۴

فرم شماره ۵

بسمه تعالی

(نتیجه ارزشیابی پایان نامه دوره کارشناسی ارشد)

بدینوسیله گواهی می گردد پایان نامه آقای / خانم هدایت نصیری دانشجو

رشته جامعه شناسی از دانشکده اقتصاد به شماره

دانشجویی ۸۵۳۹۷۰۴ تحت عنوان: بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری

خشونت آمیز در بین دانش آموزان شهرستان اهواز

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در تاریخ ۸۸/۶/۲۳ توسط هیأت داوران مورد ارزشیابی قرارگرفت و با

درجه عالی تصویب گردید.

۱- اعضاء هیأت داوران:

امضاء

مرتبه علمی

الف - استاد راهنما: سید عبدالحسین نبوی

استادیار

ب - استاد مشاور: علی حسین حسین زاده

استادیار

ج - داور ۱: کریم رضادوست

استادیار

د - داور ۲: معصومه باقری

استادیار

ه - نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (استاد ناظر): عبدالرضا نواح استادیار

استادیار

۲- مدیر گروه: کریم رضادوست

مربی

۳- معاون آموزشی دانشکده: محمد رمضان احمدی

استادیار

۴- مدیر کل تحصیلات تکمیلی: عبدالرحیم هوشمند

Handwritten signatures and stamps of the university and faculty.

"...آنگاه همان سکوت، آنجا که هستم، نمی‌دانم، هرگز نخواهم دانست، در سکوت هیچ‌کس نمیداند، باید ادامه دهی، نمی‌توانم ادامه دهم، ادامه خواهم داد." نام ناپذیر ساموئل بکت

سپاس نامه

لازم می‌دانم از استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر سید عبدالحسین نبوی تشکر ویژه به عمل آورم. ایشان در تمامی مراحل این پژوهش نه تنها به عنوان استاد راهنما بلکه مانند دانشجویی تشنه‌ی علم تمامی متون استفاده شده در این پژوهش را مطالعه نمودند و شرافت علمی را به من آموختند.

همچنین از استاد مشاور ارجمند جناب آقای دکتر علی حسین حسین زاده تشکر می‌کنم.

از سایر اساتید گروه که در خدمت آنان علم‌آموزی نموده‌ام نیز تشکر می‌نمایم.

ر. سایدوستانم، آرش حیدری، حسین علمداری، محمد دلال رحمانی، مهندس ایمان موسویان، مهدی نظری، نبی داوودی، محمد خلفیان، مجتبی امیرخانی و خواهرزاده‌ی عزیزم ذاکر نصیری و نیز از یکایک اعضای خانواده‌ام خاصه سالم نصیری و فرشته نصیری تشکر می‌کنم.

تمامی اثر پیشکش به مادرم، دختر بس غلامی، در جایگاه غایت رعایت دیگری

- ۱-۱- بیان مسئله ۲
- ۲-۱- مسئله اجتماعی ۴
- ۳-۱- انحراف اجتماعی ۷
- ۴-۱- جرم ۹
- ۵-۱- بزهکاری و بزهکاری خوشونت‌آمیز ۱۱
- ۷-۱- ضرورت و اولویت تحقیق ۱۳
- ۸-۱- اهداف تحقیق ۱۴
- ۱-۲- مقدمه ۱۵
- ۲-۲- نظریه‌های زیست‌شناختی ۱۵
- ۱-۲-۲- بزار لامبروزو ۱۶
- ۲-۲-۲- ویلیام شلدون ۱۶
- ۳-۲-۲- زیگموند فروید ۱۶
- ۳-۲- نظریه‌های ساختار اجتماعی ۱۷
- ۱-۳-۲- مقدمه ۱۷
- ۴-۲- نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی ۱۸
- ۱-۴-۲- مقدمه ۱۸
- ۲-۴-۲- نظریه‌ی مناطق هم‌مرکز شاو و مک‌کی ۱۹
- ۵-۲- تئوری‌های فشار ۲۱
- ۱-۵-۲- مقدمه ۲۱
- ۲-۵-۲- امیل دورکیم ۲۲
- ۳-۵-۲- رابرت مرتون ۲۵
- ۶-۲- نظریه انحراف فرهنگی ۳۲
- ۱-۶-۲- مقدمه ۳۲
- ۲-۶-۲- البرت کوهن ۳۳
- ۳-۶-۲- والتر میلر ۳۴
- ۴-۶-۲- کلووارد و اوهلین ۳۵
- ۷-۲- رویکرد تضاد ۳۷
- ۱-۷-۲- کارل مارکس ۳۸
- ۲-۷-۲- ریچارد کوئینی ۳۹
- ۳-۷-۲- ملوین کوهن ۴۱
- ۸-۲- نظریه‌های فرآیند اجتماعی ۴۳

۴۳	۱-۸-۲- مقدمه:
۴۴	۹-۲- نظریه هم نشینی افتراقی ادوین ساترلند
۵۱	۱۰-۲- کنترل اجتماعی
۵۱	۱-۱۰-۲- مقدمه
۵۲	۲-۱۰-۲- تراویس هیرشی
۵۹	۳-۱۰-۲- نظریه خود کنترلی
۶۱	۱۱-۲- نظریه خنثی سازی: دیوید ماززا و گرشام سایک
۶۳	۱۲-۲- نظریه برچسب زنی
۶۳	۱-۱۲-۲- مقدمه
۶۳	۲-۱۲-۲- ادوین لمرت
۶۵	۳-۱۲-۲- هاوارد بکر
۶۷	۱۳-۲- چارچوب نظری تحقیق
۷۲	۱۵-۲- مدل نظری تحقیق ۲-۱۴- فرضیه های تحقیق
۷۴	۱۶-۲- پیشینه تحقیق
۸۵	۱-۳- مقدمه
۸۵	۲-۳- روش تحقیق
۸۵	۳-۳- معرفی ابزارهای جمع آوری اطلاعات
۸۵	۴-۳- واحد تحلیل
۸۷	۵-۳- جمعیت آماری
۸۷	۶-۳- شیوه نمونه گیری
۸۸	۷-۳- تعیین حجم نمونه
۸۹	۸-۳- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق
۹۸	۹-۳- چکیده ای از فصل سوم
۹۸	۱-۴- مقدمه
۹۸	۲-۴- توصیف نمونه و پردازش اطلاعات به دست آمده
۱۰۱	۳-۴- تجزیه و تحلیل دادهها
۱۱۰	۴-۴- دیگر یافته های تحقیق
۱۱۵	۵-۴- تحلیل رگرسیون خطی
۱۱۵	۶-۴- تحلیل مسیر مدل علی:
۱۲۰	۱-۵- نتیجه گیری
۱۲۵	۲-۵- محدودیت های تحقیق

چکیده پایان نامه

نام خانوادگی: نصیری	نام: هدایت
عنوان پایان نامه: بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر میزان بزهکاری خشونت آمیز در میان دانش آموزان شهر اهواز	
استاد راهنما: سید عبدالحسین نبوی	استاد مشاور: علی حسین حسین زاده
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم اجتماعی
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران اهواز	گرایش: جامعه شناسی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۸/۶/۲۳	دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی
تعداد صفحه: ۱۴۳	
مفاهیم کلیدی: پایگاه اجتماعی - اقتصادی، رفتار زورگویانه ی والدین، نظارت والدین، معاشرت با دوستان خشونت گرا، تعاریف مطلوب از خشونت، وابستگی به والدین، خودکنترلی و بزهکاری خشونت آمیز.	
<p>چکیده: رساله حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری خشونت آمیز در میان دانش آموزان پسر دبیرستان های شهر اهواز انجام گرفته است. در چارچوب نظری تحقیق، به منظور تبیین بیشتر بزهکاری خشونت آمیز به تلفیقی منسجم از نظریه های مرتبط با عوامل ساختاری و فرایندی پرداخته شده است. در راستای چگونگی ارتباط میان عوامل ساختاری (پایگاه اجتماعی - اقتصادی) و بزهکاری خشونت آمیز از دو نظریه ی پر اهمیت در حوزه ی جرائم و بزهکاری یعنی یادگیری اجتماعی و کنترل اجتماعی استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و از ابزار پرسش نامه برای جمع آوری داده ها استفاده شده است. حجم نمونه ($n = 400$) نفر است که با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب گردیده و برای انجام مرحله آماری تحقیق از نرم افزار SPSS.V11.5 استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که هم متغیرهای فرایند یادگیری و هم متغیرهای ساختاری فرایند کنترل اجتماعی که رابطه ی میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی و بزهکاری خشونت آمیز را وساطت می کنند در تبیین بزهکاری خشونت آمیز نقش دارند.</p>	

فصل اول

کلیات تحقیق

1-1- بیان مسئله

تحقیق حاضر کوششی در زمینه مطالعات جامعه‌شناسی انحرافات است که خود یکی از «شاخه‌های بالنسبه جوان جامعه‌شناسی است.» (محسنی، 1386: 4). جامعه‌شناسی انحرافات رشته‌ای است که «پدیده‌های انحرافی را در رابطه با ساختار، نهادها و فرآیندهای اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد و به تعریف ماهیت، شناخت زمینه‌ها و عمل و تأثیرات رفتارهای انحرافی می‌پردازد.» (محسنی، همان: 5) اما از آن‌جا که بحث بسیار گسترده است، تنها بعدی از انحرافات را که به چگونگی وقوع جرم و بزه مربوط است محور مطالعه قرار می‌دهیم. منظور از جرم «به مواردی از تخلف از قانون و هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه محدود می‌شود که بزرگسالان مرتکب چنین تخلفاتی شده باشند.» (احمدی، 1384: 10) و «رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب به این رفتار را بزهکار می‌نامند.» (شومیکر به نقل از احمدی، همان: 8). تحقیق حاضر به موضوع بزهکاری خشونت‌آمیز به عنوان یکی از مصادیق مهم بزهکاری می‌پردازد و منظور از آن رفتاری است که فرد با تهدید و حمله به دیگری به کمک نیروی بدنی و یا بکارگیری اسلحه گرم یا سرد ... اراده و خواسته خود را به دیگری (دیگران) تحمیل می‌نماید.

مسئله جرائم خشونت‌آمیز و بزهکاری خشونت‌آمیز یکی از معضلات اساسی جوامع امروزی، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه است و جامعه‌ی ما نیز از آن مستثنی نبوده و نیست. با نگاهی به صفحات روزنامه‌ها و سایت‌های خبررسانی اینترنتی به نظر می‌رسد که «جرائم ناشی از خشونت در کشور پس از انقلاب چند برابر افزایش پیدا کرده است» (روزنامه ایران مورخه 1384/04/25)، به نحوی که «با نگاهی به جداول پرونده‌های مختومه جرایم ناشی از خشونت، جرایم خرد دادگاه‌های عمومی کشور در سال‌های اخیر، شاهد سیر صعودی این جرائم هستیم.» (آخوندی، 1381: 16). میزان و شدت جرائم ناشی از خشونت به حدی بالاست که «بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی، 42 درصد معاینات بالینی و سرپایی مراکز پزشکی قانونی کشور، مربوط به صدمات و جراحات ناشی از نزاع است» (روزنامه ایران مورخه 1384/07/18). بدین ترتیب به نظر می‌رسد که «خشونت به تمامی زوایای زندگی و گوشه و کنار آن نفوذ کرده باشد. از ورزش گرفته تا ادبیات و سینما همه جا نمونه‌هایی از خشم و خشونت به چشم می‌خورد.» (آخوندی، 1381: 18). با افزایش میزان خشونت در جامعه، صاحب نظران بر آنند که «گسترش دامنه بروز خشونت و

پرخاشگری در جامعه ایران در سال‌های اخیر یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آید» (توسلی و فاضل، 1381). در این میان آنچه بیش‌تر قابل تأمل است این است که «بیش‌تر موارد پرخاشگری و خشونت نیز در بین رده سنی 15 تا 25 سال مشاهده شده است» (روزنامه‌ی ایران مورخه‌ی 1384/04/25). به عبارت دیگر میزان بالای خشونت مربوط به جمعیت نوجوان و جوان کشور است. بدین ترتیب با مرور صفحات حوادث روزنامه‌ها، اظهارنظرهای صاحب‌نظران، نگرانی صاحب‌منصبان و مسئولین مملکتی، طرح ضربتی اخیر امنیت اجتماعی دولت نهم و تلاش‌های نهادهای انتظامی و قضایی در خصوص مسئله تأمین امنیت افراد، اهمیت موضوع بزهکاری خشونت‌آمیز را به عنوان یک مسئله اجتماعی آشکار می‌کند. مبدل شدن بزهکاری خشونت‌آمیز به مسئله‌ای اجتماعی نظیر سایر مسائل اجتماعی سبب «اختلاف بین معیارها اجتماعی و واقعیت اجتماعی می‌گردد... [و] در نهایت منجر به واکنش اعضای جامعه نسبت به آن می‌شود» (مرتون، 1385: 25-26). با گسترش دامنه بروز خشونت و متعاقباً با افزایش شکاف بین «معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی»، هنجارها و ارزش‌های جامعه تهدید می‌شوند و این امر به گونه‌های متفاوتی بر جامعه تأثیر می‌گذارد. «یکی از مهم‌ترین تأثیرات این است که هماهنگی جامعه با اختلال مواجه می‌شود و در زمینه‌های مخالف و تردید را در جامعه افزایش می‌دهد» (محسنی، 1386: 8). بدین ترتیب بزهکاری خشونت‌آمیز سبب می‌شود نظم و سامان اجتماعی زندگی روزمره مختل شود و «کیفیت زندگی مطلوب» از دست برود. «در این وضع، تأمین اجتماعی و آسایش خاطر مفهومی ندارد و همواره افراد در بیم تجاوز دیگران زندگی می‌کنند» (محسنی، همان: 106) بدین ترتیب در فضایی آکنده از بیم و تجاوز دیگری، «گریز از خشونت» غیر ممکن است و همه ناگزیرند با خشونت دست و پنجه نرم کنند و در فضایی رعب‌آور زندگی کنند.

با توجه به مطالب بالا، موضوع بزهکاری خشونت‌آمیز به عنوان یکی از رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان و جوانان شایسته‌ی تحقیقی جدی و مستقل است.

بدین سبب این تحقیق در پی تبیین پدیده بزهکاری خشونت‌آمیز و روشن نمودن قسمتی از

علل و ساز و کارهای موثر بر وقوع آن است.

1-2- مسئله اجتماعی¹

تعریف مسئله یا معضل اجتماعی در جامعه شناسی خود معضل مهمی است. این که چه چیز معضل اجتماعی است و چه چیز معضل اجتماعی نیست، موضوعی نیست که به سادگی بتوان بر روی آن به توافق رسید. در یک برداشت کلی از مفهوم مسئله اجتماعی می‌توان گفت که «آشفته‌گی‌های ناخواسته و اجتناب‌ناپذیر در جامعه، اغتشاشات و قضاوت‌های اجتماعی که معمولاً «بحران اجتماعی عصر حاضر» نامیده می‌شود، قربانی شدن مردم بر اثر محرومیت‌هایی که در زندگی توسط نهادهای اجتماعی بر آنان تحمیل می‌شود، جنایت، بیماری‌های قابل درمان اما درمان نشده، اعمال خشونت‌آمیز که از نظر اجتماعی نامشروع است، و مسائلی از این قبیل، معمولاً در نظر ما تحت عنوان «مشکلات اجتماعی» مطرح می‌گردند. این برداشت عام، چندان دور از مفهومی تکنیکی که جامعه‌شناسان به کار می‌برند نیست» (مرتون، 1385: 19).

آن چه آشکار است پیچیده بودن معضل اجتماعی و ریشه‌دار بودن - چه بسا ریشه‌ای طولانی و تاریخی - معضل اجتماعی در ساختارهای متفاوت جامعه است. علاوه بر این، «معضلات اجتماعی نه تنها ذهنی است بلکه جنبه عینی نیز دارد» (مرتون، همان: 31). این معضلات چه به صورت حاد چه به صورت مزمن و چه به صورت آشکار و چه به صورت پنهان، تاریخ خود را به همراه دارند. اما در کل «وقایع هر طور که آغاز شده باشند، هنگامی مشکل اجتماعی تلقی می‌شود که موجب اختلاف میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی می‌گردد. حال چه نیروهایی که الگوهای زندگی اجتماعی را از بین می‌برند ساخته دست انسان باشند یا طبیعت، در نهایت منجر به واکنش اعضای جامعه نسبت به آن‌ها می‌شوند. ماهیت این واکنش بر طبق اصول جامعه‌شناختی عمدتاً تحت تأثیر ساخت جامعه، نهادها و ارزش‌های آن است» (مرتون، همان: 25-26). همسو با مطالب بالا می‌توان به دو نکته دیگر اشاره کرد. از یک سو محققین و جامعه‌شناسان با اتکا بر روش‌های علمی و یا به عبارت دیگر «عینی‌گرایی علمی» به تحقیق در مورد معضل اجتماعی می‌پردازند و آن را شناسایی و تعریف می‌کنند و حتی در مواردی باعث می‌شوند که مسئولین ذی‌ربط و مربوطه به آن معضل اجتماعی توجه و التفات بیشتری نشان دهند. از سوی دیگر، گروه‌های اجتماعی متفاوت

¹ - Social Problem

ممکن است قضاوت و تفاسیر متفاوتی از یک معضل شناسایی و تعریف ارائه شده از سوی علما جامعه شناس داشته باشند به نحوی که یک معضل اجتماعی در یک گروه اجتماعی ممکن است سبب نگرانی شود ولی در یک گروه اجتماعی ممکن است نگرانی ایجاد نکند و حتی ممکن است «مشکل یک گروه برای گروه دیگر مزیت به شمار آید» (مرتون، همان: 28) به عبارت دیگر واقعیت‌های علمی در زمینه‌های¹ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... جای می‌گیرند و تفسیر می‌شوند. به این ترتیب «جوامعی که در آن پایگاه اجتماعی بسیار متنوع، با ارزش و منافع خاص هر یک وجود دارد، تمایل به داشتن قضاوت‌های متفاوت و غالباً بسیار متضادی از آن‌چه باعث ایجاد مشکلات اجتماعی می‌شود دارند» (مرتون، همان: 28) مرتون در این زمینه مثالی می‌زند: «سقط جنین که با ارزش‌های مذهبی و مشروع بسیاری از افراد مغایرت دارد، یک مشکل اجتماعی تعریف می‌شود. اما برخی سقط جنین را وسیله‌ای برای جلوگیری از مشکلی شخصی - یعنی داشتن فرزندی ناخواسته چه مشروع و چه نامشروع - می‌دانند که در بسیاری از موارد می‌تواند به صورت یک مشکل اجتماعی جدی بروز کند» (مرتون، همان: 28).

در مجموع سوای منشأ، آشکار یا پنهان بودن، ادراک اجتماعی از مشکلات و... پراهمیت‌ترین جنبه معضل اجتماعی - به زعم مرتون - «اختلاف اساسی میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی است» که البته «این معیارها و نحوه کاربردشان میان قشرها و بخش‌های مختلف اجتماعی متفاوت است» (مرتون، همان: 21) به این ترتیب، معضل اجتماعی واقعیتی اجتماعی است که «با کیفیت زندگی مطلوب ناسازگار است و از سوی عوامل اجتماعی از قبیل تضادهای گروهی ایجاد یا تقویت می‌شود و همواره اقدام یا راه حل اجتماعی خاصی را می‌طلبد» (محسنی، 1386: 7).

صاحب نظران به ابعاد خاصی از مسئله اجتماعی توجه کرده‌اند. به طور مثال رابینگتن و واینبرگ در بررسی مفهوم جامعه شناختی مسئله اجتماعی به وضعیت اظهار شده، مغایرت با ارزش‌ها، شمار مهمی از مردم و نیاز به اقدام توجه کرده‌اند (رابینگتن و واینبرگ، 1386: 13-14).

¹ - Contexts

مرتون نیز معتقد است که بررسی مفهوم جامعه شناختی مشکلات اجتماعی باید حداقل شش مسأله مرتبط با هم را در نظر گرفت.

«1- معیار اصلی مشکلات اجتماعی، یعنی اختلاف اساسی میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی.

2- مسأله منشأ اجتماعی مشکلات اجتماعی

3- مسأله قضاوت کنندگان در مورد مشکلات اجتماعی، یعنی همان مردمی، که در حقیقت، مشکلات عمده را در جامعه تعریف می‌کنند.

4- مشکلات اجتماعی آشکار و پنهان

5- ادراک اجتماعی از مشکلات اجتماعی

6- شیوه‌هایی که در آنها اعتقاد موقعیت‌های ناخواسته اجتماعی در تعریف مشکلات اجتماعی

گنجانده می‌شود». (مرتون، همان: 19)

در مجموع با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که «جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهار شده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد.» (رابینگتن و واینبرگ، همان: 12-13).

کوتاه سخن آن که، بزهکاری خشونت‌آمیز به عنوان یک معضل اجتماعی، اختلافی اساسی میان «معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی» ایجاد می‌کند و سامان نظم اجتماعی را بر هم می‌زند و بدین ترتیب با «کیفیت زندگی مطلوب» ناسازگار است و «راه حل اجتماعی خاص خود را می‌طلبد». آن چه واضح است معضل ساخته و پرداخته‌ی کنش‌های انسان‌های یک جامعه است و «تحقیقات جامعه‌شناختی از طریق موقعیتشان در نمایاندن مشکلات اجتماعی پنهان و نیز تبیین مشکلات اجتماعی آشکار، انسان‌ها را قادر می‌سازد تا پیش از پیش مسئول بازده کنش‌های جمعی و نهادی شده‌شان باشند» (مرتون، همان: 18).

1-3- انحراف اجتماعی¹

مفهوم انحراف اجتماعی، مفهومی مبهم و پیچیده است. پاسخ به این سوال مهم و کلیدی که انحراف اجتماعی چیست، پاسخی آسان و ساده نیست. واقعیت آن است که تعریف مفهوم انحراف اجتماعی، سرنوشتی بهتر از دیگر مفاهیم موجود در جامعه‌شناسی نظیر فرهنگ، ارزش و... ندارد. این در حالی است که این مفهوم در جامعه‌شناسی علی‌رغم عدم اجماع بر سر تعریف آن کاربرد فراوانی دارد. به طور خلاصه «تعریف انحراف کاری مشکل است» (محسنی، 1386: 9). آن چه که در یک جامعه انحراف به شمار می‌آید در جامعه‌ای دیگر ممکن است انحراف به شمار نیاید. در این میان، تعاریف متعددی از مفهوم انحراف اجتماعی وجود دارد.

بروس کوئن می‌نویسد: «هر گونه رفتاری که با چشم‌داشت‌های جامعه یا گروه‌های معینی در داخل جامعه تطبیق داشته باشد، انحراف نامیده می‌شود. انحراف به دوری جستن از هنجارها اطلاق می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا یک گروه معیارهای جامعه را رعایت نکند» (کوئن، 1381: 160) و یا مثلاً «در جامعه‌شناسی کلاسیک، غالباً انحراف اجتماعی را شیوه‌ی رفتاری در نظر گرفته‌اند که برخلاف وفاق جامعه است و آن را به عدم هم‌نوایی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه واقع شده است تعریف نموده‌اند» (کندال، به نقل از احمدی، 1384: 4) بدین ترتیب «رفتاری انحراف آمیز تلقی می‌شود که به عنوان رفتاری غیر عادی تعریف شود» (محسنی، همان: 27).

علاوه بر تعاریف فوق، مفهوم انحراف اجتماعی را می‌توان از ابعاد دیگر نیز بررسی کرد. «گاهی انحراف عادی بودن² از نظر آمار تعریف می‌شوند و کسانی که در اطراف میانگین قرار دارند عادی تلقی می‌شوند و دیگران که در حد پایین یا بالای آن قرار دارند منحرف به حساب می‌آیند.» (محسنی، همان: 9).

در ارتباط با ابعاد متفاوت مفهوم انحراف اجتماعی می‌توان به اهمیت قدرت و اقتدار سیاسی در تعریف انحراف اجتماعی اشاره کرد در این زمینه مرتون می‌نویسد: «کسانی که مقام‌های

¹ - Social Deviance

² - Normality

استراتژیک قدرت و اقتدار را در دست دارند، مسلماً بیش از دیگران در تعیین خط و مشی اجتماعی نقش دارند و بنابراین آن‌ها هستند که برای سایر افراد تصمیم می‌گیرند که چه چیز انحراف از معیارهای اجتماعی است». (مرتون، همان: 27). به عبارت دیگر «آن‌چه که در یک جامعه انحراف تلقی می‌شود محصول فرآیند سیاسی یک تصمیم‌گیری است... این امور از طریق گروهی که قابلیت قانون‌مند کردن و تقویت آن‌چه را که واضع کرده‌اند تعریف می‌شوند» (محسنی، همان: 11). به این ترتیب می‌توان گفت که قدرت سیاسی با تعریف انحراف اجتماعی، تعیین الگوهای رفتاری و حتی ضابطه‌مند کردن و یا قانون‌مند کردن هنجارهای اجتماعی به منظور تعیین حدود و ثغور انحراف اجتماعی، رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. بدین ترتیب تاکنون باید آشکار شده باشد که نمی‌توان به آسانی مفهوم انحراف اجتماعی را تعریف کرد.

به طور کلی می‌توان گفت آن‌چه سبب تعاریف متعدد از مفهوم انحراف اجتماعی می‌شود، نگاه‌های متفاوت صاحب‌نظران و مکاتب مختلف جامعه‌شناسی به این مفهوم است. به عبارت دیگر «انحراف تابعی است از تعریف آن» (سخاوت، 1380: 9). بدین ترتیب «رفتارها و فعالیت‌هایی که در جامعه معین انحرافی نامیده می‌شود اغلب وضوح ذاتی ندارد» (محسنی، همان: 11).

در این قسمت نگارنده به طور مبسوط‌تری به بحث مرتون در این زمینه می‌پردازد. مرتون می‌نویسد: «کجروی رفتاری است که مشخصاً از هنجارهایی که در پایگاه‌های اجتماعی مردم مقدور شده است، منحرف می‌شود. هر رفتاری بر حسب پایگاه اجتماعی مردمی که آن را از خود بروز می‌دهند، ممکن است به کجروی یا همنوایی تعبیر شود. این واقعیت، صرفاً نتیجه‌ی یک نظریه جامعه‌شناختی است که هر پایگاه اجتماعی را مشتمل، مجموعه‌ای از وظایف هنجاری مختص به خود می‌داند» (مرتون، همان: 56) در توضیح این نقل قول - چنان‌چه پیشتر نیز گفته شد - می‌توان به این مسئله پی برد که در واقع نظریه جامعه‌شناختی تعیین می‌کند که چه الگوی رفتاری با توجه وظایف هنجاری هر پایگاه اجتماعی، الگوی رفتاری انحرافی است و چه الگویی رفتاری انحرافی نیست. مرتون در این زمینه مثالی می‌زند: «وقتی فردی بالغ» مانند یک بچه» یا شخصی عامی مثل «یک پزشک» رفتار می‌کند، دچار کجروی شده‌اند. اما اگر بچه‌ای یا پزشکی همان رفتارهای خاص خود را نشان دهند، مطابق با انتظارات هنجاری خواهد بود» (مرتون، همان:

56). در این راستا، مرتون معتقد است که «کج رفتاری را نباید به طور انتزاعی توصیف کرد، بلکه باید آن را در ارتباط با هنجارهایی که از نظر اجتماعی پسندیده و از نظر اخلاقی برای مردمی که پایگاه‌های مختلف را در جامعه اشغال کرده‌اند الزام آور باشد، در نظر گرفت» (مرتون، همان: 56). مرتون اندکی جلوتر - که به نظر می‌رسد به خوبی مفهوم فراغت از ارزش و بر را راهنمای خود قرار داده است - می‌نویسد که «جامعه‌شناسان، اصطلاح کجروی از جنبه‌ی تکنیکی آن به کار می‌برند نه از جنبه‌ی اخلاقی» (مرتون، همان: 56). بدین ترتیب جامعه‌شناسان ضمن توجه به «جنبه تکنیکی» و نیز غیر «انتزاعی» بودن اصطلاح کجروی، منحرف شدن «از هنجارهایی که در پایگاه اجتماعی مردم مقدر شده است» را به عنوان رفتار انحرافی تعریف می‌کند.

1-4- جرم¹

در تمامی نظام قضایی کیفری کشورها نسبت به جرم و جرایم دستورالعمل ضوابط خاصی وجود دارد. جرم در زمره اعمالی است که امری جهانی است و تمامی کشورها نسبت به توجه خاصی دارند. هر کشور بر اساس قوانین مکتوب خود در نظام قضایی کیفری خود با اعمال مجرمانه به گونه‌ای خاص برخورد می‌کند. ارتکاب به عملی در کشوری ممکن است جرم باشد ولی در کشور دیگر ممکن است نه تنها جرم نباشد بلکه امر پذیرفته شده‌ای نیز باشد. علاوه بر این موضوع، از جرم نیز مانند انحراف اجتماعی تعاریف متعددی شده است.

جرم‌شناسان و حقوق دانان تعاریف خاصی از جرم دارند: «بنا به تعریف گاروفا یکی از بنیانگذاران دانش جرم‌شناسی، جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی "جریحه‌دار کردن آن بخشی از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود". هم‌چنین کارارا که بیش‌تر به اوصاف یعنی جرم توجه داشته است، جرم را "نقض یکی از قوانین دولت ناشی از فعل خارجی انسان که ایفای وظیفه یا اعمال حقی را تجویز نکند و مستوجب کیفر باشد" تعریف نموده است. در تعریف دیگری که از حقوق دان فرانسوی رو² منقول است، علاوه بر عنصر قانونی و مادی جرم، عنصر روانی نیز در تعریف منظور

1 - Crime

2 - Roux

شده است. در این تعریف "جرم عبارت است تجلی خطا کارانه‌ی اراده‌ی شخص برخلاف حق که قانون برای آن کیفری تعیین کرده است." (به نقل از اردبیلی، 1385: 120). «در قوانین کیفری کشور ما تعریفی از جرم نشده است. فقط در ماده‌ی 2 قانون مجازات اسلامی (مصوب 8 مرداد 1380) در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود» (به نقل از اردبیلی، 1385: 120).

در کل در نگاه حقوق دانان و جرم شناسان اولاً «جرم یک واقعیت انسانی و اجتماعی است» ثانیاً «این پدیده که حاکی از تعارض میان انسان و جامعه است واکنش اجتماعی را علیه بزهکار برمی‌انگیزد» و ثالثاً «رفتارهای انسانی همانند نظم اجتماعی در هر زمان و مکان دستخوش دگرگونی است» (اردبیلی، همان: 18).

امیل دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی به موضوع جرم از منظری جامعه شناسانه پرداخته است. از منظر دورکیم «حقوق باز نماینده‌ی اصلی‌ترین مشکل‌های هم‌بستگی اجتماعی است» (دورکیم، 1384: 67). به نظر دورکیم جرم «هر نوع عملی است که در حد معین خود واکنش ویژه‌ای بر ضد عامل عمل می‌شود که نام‌اش مجازات است» (دورکیم، همان: 69). و خود مجازات عبارت است از: «نوعی واکنش عاطفی با شدت مقرر» (دورکیم، همان: 85) از نظر دورکیم «عامل تبیین مجازات و در نتیجه، جرم، همانا ماهیت احساسات جمعی است» (دورکیم، همان: 97).

بدین ترتیب دورکیم در جای دیگری در کتاب مذکور می‌نویسد: «خصلت اجتماعی این واکنش ناشی از ماهیت اجتماعی احساسات جریحه‌دار شده است. از آن جا که احساسات مذکور در تمامی وجدان‌ها ریشه دارند تخلف از آن‌ها در همه‌ی کسانی که شاهد این تخلف‌اند یا از وجود آن آگاهی پیدا می‌کنند برآشفتگی مشابهی ایجاد می‌کند» (دورکیم، همان: 94). بدین ترتیب به زعم دورکیم «ضربه به همگان وارده و در نتیجه همگان آمده‌ی دفاع می‌شوند» (دورکیم، همان: 94). از نظر دورکیم جرم به عنوان واقعیتی اجتماعی «طبیعی و سالم است زیرا که، در وهله اول، اتکاب جرم و مجازات آن کمک به مرز بندی و تقویت محدوده‌های اجتماعی می‌کند و بنابراین در همبستگی جامعه دخیل است، و ثانیاً، به دلیل آن که جرم مکانیزم (ساز و کار) تغییر اجتماعی

است یعنی می‌تواند همان محدوده‌ها را به چالش بطلبد» (کرایب، 1384: 72). البته ذکر این نکته ضروری است که از منظر دورکیم جرم نیز تا حدی طبیعی و سالم است و افزایش آن از حد طبیعی امری نابهنجار و پاتولوژیک می‌شود. بدین ترتیب جرم ریشه در سازمان اجتماعی هر جامعه‌ای دارد و نسبت به زمان و مکان نیز ممکن است تغییر کند.

به طور کلی واژه جرم به انحرافات اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد دارای سن قانونی مرتکب آغاز می‌شوند. در این تحقیق منظور ما از کاربرد واژه جرم «به مواردی از تخلف قانون و هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه محدود می‌شود که بزرگسالان مرتکب چنین تخلفاتی شده باشند» (احمدی، همان: 10). بدین ترتیب «جرم عملی است که قانون‌گذار تعریف می‌کند. مجرم کسی است که جرم را مرتکب می‌شود و دادگاه او را مجرم می‌شناسد» (سخاوت، همان: 22). «بر اساس نظام قضایی کیفری بیش‌تر کشورها، بزرگسالانی که قوانین مکتوب و مدون جامعه را نقض می‌نمایند مجرم شناخته شده و پس از انجام مراحل محاکمات قانونی با حکم دادگاه در زندان نگه‌داری می‌شوند. معمولاً در زندان به مجازات مجرمان بیش از بازپروری آنان تأکید می‌شود» (احمدی، همان: 10).

1-5- بزهکاری و بزهکاری خوشونت‌آمیز¹

«اگر ما اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوان ما ادامه یابد، تمدن و فرهنگ ما محکوم به نابودی است». این سخن مصلح اجتماعی یا فرد مذهبی در روزگار ما نیست، بلکه گفتاری است بر یک لوحه باستانی متعلق به 3500 سال قبل از میلاد مسیح در شهر اور که یکی از مراکز تمدن سومری بوده به گفته تورات، زادگاه ابراهیم نبی است» (دلاور، 1373: 179). گفتار نقل شده در لوحه‌ی باستانی سومری‌ها یادآور این است که افراد جوان هر جامعه‌ای دست کم به دلیل داشتن شرایط جسمی و روانی خاص بیش از دیگران عصیان و سرکشی و بعضاً کجروی و بزهکار هستند» (گلچین، 1385: 125). اما یادآوری این نکته مهم به نظر می‌رسد که فقط «در جوامع بدوی و ایستا یعنی جوامعی که در آن‌ها قوانین مکتوب وجود ندارد، انحراف، بزهکاری و جرم، در

¹ - Delinquency and Violent Delinquency

یک معنی به کار گرفته شده و هر سه مفهوم به تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم و ضوابط جامعه اطلاق می‌گردد» (مساواتی آذر به نقل از احمدی، همان: 8). امروزه در جوامع مدرن بین انحرافات اجتماعی بزرگسالان و جوانان تفاوت قایل می‌شوند. با گسترش شهرنشینی و بالا رفتن میزان رفتارهای انحرافی و به تبع آن با پیدایش و گسترش جامعه شناسی انحرافات به عنوان یکی از حوزه‌های جامعه شناسی «انحراف اجتماعی بر حسب سن افرادی که مرتکب رفتار انحرافی می‌شود در دو مقوله بزهکاری و جرم طبقه‌بندی شد، به این معنی که تقسیم انحراف اجتماعی به بزهکاری و جرم نه بر اساس نوع و شدت رفتار انحرافی بلکه بر اساس سن افراد به هنگام ارتکاب یاد شده انجام می‌گیرد. رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب به این رفتارها را بزهکار می‌نامند» (شومیکر به نقل از احمدی، همان: 8). این سن معمولاً بین 13-18 سال است. پس متغیر سن متغیری کلیدی و بنیادی در تعیین رفتار انحراف می‌باشد. با بکارگیری واژگان دورکیم می‌توان گفت که مضامین و مفاهیم حقوقی مرتبط با بزهکاری جوانان در زمره‌ی مجازات‌های ترمیمی قرار دارند که «الزاماً در بردارنده‌ی محرومیتی برای متخلف نیست، بلکه عبارت است از ترمیم دوباره‌ی امور، برگرداندن مجدد روابط برهم خورده و بازآوردن شان به حالت عادی، یا به طریقی که مورد تخلف به زور به حالت عادی‌اش برگردد.» (دورکیم، همان: 68). این نوع مجازات برای بزهکاران مرتکب به رفتار انحرافی، دقیقاً خلاف مجازات‌های تنبیهی است که خود عبارت است از: «تحمیل نوعی درد، یا، دست کم نوعی کاستی بر عامل تخلف؛ هدف این نوع مجازات‌ها آسیب رساندن به متخلف از لحاظ ثروت، خوشبختی، حیات یا آزادی اوست؛ هدف این است که وی چیزی را از آن چه در اختیار اوست از دست بدهد و از آن محروم شود» (دورکیم، همان: 68). به همین دلیل «در بیش‌تر کشورهای دنیا نظام قضایی کنترل جوانان از بزرگسالان متمایز شده و بیشتر جنبه بازپروری، توان بخشی و ارشادی دارد» (احمدی، همان: 9).

علاوه بر این که بزهکاری جوانان تابع مجازات حقوقی خاصی است، نتیجه‌ی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که «اگر برای برقراری امنیت عمومی کوتاه مدت، جوانان را مشابه بزرگسالان تحت تعقیب قرار دهند، ممکن است انحرافات اجتماعی در بلندمدت افزایش یابد. بنابراین پیشنهاد می‌شود،